

بررسی فقهی و حقوقی بیمه خسارات ناشی از تورم منفی^۱

فرشید رجبی*

علی اکبر ایزدی فرد**

علی اکبر جهانی***

چکیده

مباحث اقتصادی همواره از مهمترین و اساسی‌ترین مسائل هر کشور می‌باشد. یکی از این مسائل بحث تورم منفی است که به معنای کاهش سطح عمومی قیمت‌ها است و هرگاه اقتصاد یک کشور دچار تورم منفی شود برای صاحبان کالا و سرمایه خسارات‌های قابل توجهی به وجود می‌آید و این تورم منفی آثاری مانند رکود و تعطیلی کارخانه‌ها و مراکز تولیدی را به همراه دارد. از طرفی یکی از پدیده‌ها و مسائل نوظهور دنیای مدرن بحث بیمه و شرکت‌های بیمه‌ای می‌باشد که بر اساس اصل جبران خسارات به وجود آمده‌اند، اما این شرکت‌های بیمه‌ای اقدام به بیمه کردن خسارات ناشی از تورم منفی نمی‌کنند، در این پژوهش به مبانی مشروعیت بیمه خسارات ناشی از تورم منفی، از قبیل عمومات و اطلاعات ادله، بنای عقلاء، تنقیح مناط و مواد قانونی مثل ماده ۱۹۰ قانون مدنی و مواد ۱ و ۴ و ۲۸ و ۲۹ قانون بیمه و سایر اصول و قواعد دیگر پرداخته می‌شود تا این نوع خسارات نیز در قالب موضوعات عقد بیمه قرار گیرد.

کلید واژه‌ها: تورم منفی، بیمه، خسارت، عقد، قانون.

۱- تاریخ وصول: ۱۳۹۷/۰۴/۲۵ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۰/۲۸

* کارشناس ارشد فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران

** استاد فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران (نویسنده مسؤول)

izadifard@umz.ac.ir

*** استاد یار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران

۱- طرح مسأله

فقه شیعه و حقوق اسلامی که مبتنی بر آن می‌باشد همواره یک فقه پویا و قابل بحث و بررسی درباره مسائل جدید و مستحدثه است. دردنیای مدرن همواره مسائل و حوادث نوظهوری به وجود می‌آید که قبل از آن دارای پیشینه‌ی تاریخی نبوده است. از جمله مواردی که همواره در آن مسائل و پیش‌آمدهای جدید و نوظهور وجود دارد، مسائل اقتصادی می‌باشد و با توجه به این که مسائل اقتصادی همواره در میان دولت‌ها و نظام‌های دینی از جمله موارد مهم و قابل توجه بوده است؛ زیرا اساس و پایداری موارد زیادی از حکومت‌ها و میزان رضایت‌مندی مردم جامعه از آن حکومت مسائل اقتصادی می‌باشد.

در مباحث اقتصادی همواره مسائل جدید و مستحدثه زیادی وجود دارد که از جمله آنها بحث تورم می‌باشد، بحث بیمه کردن خسارات ناشی از تورم منفی و خود عقد بیمه از مباحثی است که درباره آنها در کتاب و سنت بحثی نشده است؛ زیرا اصلاً در آن زمان‌ها این مباحث در دنیای اسلام مطرح نبود. بنابراین باید دردنیای امروزی با توجه به پویایی فقه شیعه و همچنین با اجتهاد به این مباحث نیز توجه شود. تورم منفی و خسارات ناشی از آن همواره آثار قابل توجهی بر اقتصاد دارد و نیز بیمه همواره مورد توجه مردم بوده است و بیشتر آنها اقدام به انجام بیمه‌های گوناگون کرده‌اند.

با توجه به این که اقتصاد با معیشت و زندگی مردم همواره رابطه تنگاتنگ دارد و امروزه مردم همواره با مباحث اقتصادی درگیر می‌باشند، لازم است که به این مباحث توجه ویژه‌ای شود. بحث تورم منفی که در بازار به نوعی در بسیاری از کشورهای دنیا دیده می‌شود و بر اقتصاد تأثیر به‌سزایی دارد و گاهی اوقات خسارات و ضررهای هنگفتی را بردوش مردم و تجار و شرکت‌های حقوقی و کارخانجات به بار می‌آورد. مثلاً هر گاه تاجری که در کار تجارت برنج است اقدام به خرید برنج به مبلغ مثلاً یک میلیارد تومان کند؛ آن گاه اقتصاد دچار تورم منفی شود و قیمت برنج‌ها از یک میلیارد به هفتصد میلیون کاهش یابد چنین تاجری ضرر هنگفتی را متحمل می‌شود. این نوع از ضررها در بسیاری از مشاغل و اصناف گوناگون رخ می‌دهد حال آن که در مبحث بیمه و شرکت‌های بیمه‌ای بحث و توجهی به آنها نشده است.

با توجه به این که شرکت‌های بیمه‌ای اقدام به بیمه کردن خسارت‌های ناشی از تورم منفی نمی‌کنند هدف از این پژوهش بررسی و تلاشی است برای مشروعیت و جایز بودن بیمه کردن خسارات ناشی از تورم منفی و ادله مشروعیت این نوع عقد بیمه از دیدگاه فقه و حقوق تا مشروعیت این نوع از عقد بیمه به اثبات رسد.

۲- پیشینه تحقیق

در رابطه با موضوع مشروعیت بیمه خسارات ناشی از تورم منفی تحقیق و پژوهشی که به طور مستقل بتواند این موضوع را تحت عنوان مباحث و موضوعات عقد بیمه قرار دهد صورت نگرفته است و این پژوهش یک تحقیق جدید با این موضوع می‌باشد؛ اما در رابطه با خود عقد بیمه و موضوعات خاص آن مثل بیمه عمر و بیمه تأمین اجتماعی و بیمه‌های خسارات و نیز تورم پژوهش‌هایی صورت گرفته است. در این پژوهش با الهام گرفتن از مباحث عقد بیمه و تورم، به طور مستقل مشروعیت بیمه خسارات ناشی از تورم منفی که یک موضوع خاص از عقد بیمه می‌باشد مورد نقد و بررسی قرار می‌گیرد. در مبحث بیمه و تورم به تحقیقات و پژوهش‌های ذیل می‌توان اشاره کرد.

«تحلیل فقهی و حقوقی ماهیت قرارداد بیمه عمر و ادله مشروعیت آن»، امین فرد، محمد و زرد رنگ کشکی، حکیمه (۱۳۹۲). نویسندگان در این پژوهش به دنبال بررسی و تحلیل بیمه عمر به عنوان یک عقد مستقل می‌باشند و برای مشروعیت این عقد، به ادله صحت عقود و محصور ندانستن عقود در قالب‌های خاص و معین استناد می‌کنند. همچنین «مفهوم اصل جبران خسارت در حقوق بیمه»، امیران بخشایش، عیسی و باریکلو، علیرضا (۱۳۹۳). در این تحقیق نویسندگان به اصل جبران خسارت به عنوان یکی از اصول بنیادین شکل‌گیری عقد بیمه اشاره می‌کنند که مطابق با این اصل باید بیمه‌گذار به وضعیت قبل از وقوع خسارت برگردد. نمونه دیگر «تورم، عوامل و راهکارهای مقابله با آن در ایران»، سرآبادانی، غلام رضا (۱۳۸۹). در این پژوهش نویسنده به ماهیت تورم، انواع تورم و نیز به علت‌های شکل‌گیری تورم مانند افزایش بی‌رویه جمعیت و مهاجرت و همچنین به راه‌های اسلامی مقابله با آن پرداخته است.

با توجه به آن چه که گفته شد هیچکدام از پژوهش‌های گفته شده به موضوع بیمه خسارات ناشی از تورم منفی به عنوان یک موضوع پژوهشی نپرداخته است و لذا این پژوهش تحت عنوان مشروعیت بیمه خسارات ناشی از تورم منفی یک موضوع جدید و نوظهور می‌باشد.

۳- مفهوم شناسی

۳-۱- تورم منفی

به کاهش پیوسته و مداوم سطح عمومی قیمت‌ها، تورم منفی یا فروکش گفته می‌شود. یعنی اگر در محاسبه‌ی تورم، نرخ تورم به دست آمده به طور مداوم کاهش یابد و سپس منفی شود در این صورت می-

گوییم اقتصاد دچار تورم منفی شده است (کرمی، ۱۳۹۱، ۱). این نوع تورم معمولاً زمانی اتفاق می‌افتد که قیمت‌ها کاهش یابد؛ زیرا عرضه کالاها بالاتر از تقاضا برای این کالاهاست، به عبارت دیگر تورم منفی وضعیتی است که در آن یک ارز به ارزشی می‌رسد که اغلب ناشی از کاهش قیمت‌ها و نیز کاهش تقاضا می‌باشد. این نوع از تورم به خاطر علت‌هایی از قبیل تولید بی رویه‌ی کالاها، رکود اقتصادی و کاهش تقاضای کل، بحران در بازار اعتبارات و کاهش عرضه پول به وجود می‌آید.

تورم منفی در بعضی از حالات خود خوب و به گونه‌ای برای اقتصاد مثبت بوده که به آن تورم منفی خوب گفته می‌شود که باعث رشد و توسعه‌ی اقتصادی خواهد بود. این نوع تورم منفی در کشورهای مثل چین و سنگاپور وجود داشته که نقش‌های مثبتی در اقتصاد این کشورها داشته است. اما نوعی دیگر از تورم منفی وجود دارد، بدین صورت که تولید افزایش یابد اما تقاضا تغییری نکند در اینجا اتفاقی که خواهد افتاد کاهش قیمت‌ها خواهد بود به این نوع از تورم، تورم منفی بد یا پولی گفته می‌شود (کرمی، همان).

تورم منفی بد (پولی) آثاری مخرب بر اقتصاد دارد که به آنها می‌پردازیم: الف) افزایش نرخ حقیقی بهره بانکی، مثلاً زمانی که اقتصاد با تورم منفی دو درصدی همراه باشد و نرخ بهره اسمی در کشور برابر صفر باشد نرخ بهره حقیقی برابر با دو درصد خواهد بود و این مسأله می‌تواند انگیزه استقرار از بانک و سرمایه‌گذاری را برای صنایع و بنگاه‌هایی که به شدت به تسهیلات بانکی وابسته هستند کاهش دهد.

ب) تورم منفی ارزش حقیقی بدهی را افزایش می‌دهد و مصرف‌کنندگان و بنگاه‌های صنعتی - تولیدی، سهم بیشتری از درآمد خود را برای بازپرداخت بدهی‌های بلندمدت صرف می‌کنند؛ زیرا از فروش با تورم منفی درآمد کمتری کسب می‌کنند که این مسأله می‌تواند زمینه را برای کمتر شدن نرخ رشد اقتصادی در کشور فراهم کند. اما نوعی دیگر از تورم منفی وجود دارد، بدین صورت که تولید افزایش یابد اما تقاضا تغییری نکند در این جا اتفاقی که خواهد افتاد کاهش قیمت‌ها خواهد بود به این نوع از تورم، تورم منفی بد یا پولی گفته می‌شود (کرمی، همان).

ج) تورم منفی باعث می‌شود تا هزینه‌های مصرفی هم در کشور کاهش یابد به این معنا که حتی افرادی هم که به منابع مالی دسترسی دارند، هم به انتظار کاهش بیشتر قیمت‌ها می‌نشینند و خرید خود را به تعویق می‌اندازند. این مسأله می‌تواند باعث کاهش هزینه‌های مصرفی شود و یکی از اجزای مهم سازنده تقاضای کل کشور را تضعیف کند (توکلی و سلیمی، ۱۳۹۳، ۲۰۱).

۳-۲- خسارت

معنای خسارت در لغت: در لغت خسارت به معنای ضرر کردن، زیان‌مندی و ضرر و زیان آمده است و زیان در برابر سود است بنابراین ضرر، زیان و خسارت باهم مترادف هستند (معین، ۱۳۸۱، ۶۲۶). اما در معنی اصطلاحی این کلمه به دو مفهوم به کار رفته است: الف). خسارت به معنی زیان وارد شده (ضرر)، ب) خسارت به معنی جبران ضرر وارده. در این جا علاوه بر حقوقدانان که واژه خسارت را به معنای اصطلاحی آن مورد استفاده قرار داده اند، در عرف نیز این واژه به معنای خسارت‌پرداختن و خسارت‌زدن مورد استفاده قرار داده شده است.

برخی از فقها و اصول‌دانان برای خسارت و ضرر معنا و مفهوم عرفی قائلند، بدین صورت که ضرر دارای معنای عرفی است که مبرهن است، از این رو رجوع به کتب لغت برای فهم معنای آن لازم نیست. به علاوه مراجعه به آنها نشان می‌دهد که آنها نیز سعی در بیان معنای عرف داشته‌اند. مانند این تعریف صاحب قواعد از ضرر که می‌گوید: «ضرر عرفاً نقص و کم کردن در مال یا عرض یا نفس یا در شیئی از شئوون آن بعد از وجود شیء یا بعد از وجودی که مقتضی قریب آن است از آن جهت که عرف آن را موجود می‌بیند می‌باشد» (بجنوردی، ۱۴۱۹، ۲۱۴). همچنین صاحب کفایه الاصول نیز همین معنا را پذیرفته است (آخوند خراسانی، ۱۴۰۹، ۳۷۱).

بنابراین طبق این دیدگاه می‌توان گفت که بهترین معنا برای واژه ضرر این است که به طور عرفی گفته می‌شود: از دست دادن هریک از مواهب زندگی، جان، مال، حیثیت و هرچیز دیگری که از آن بهره‌مند می‌شویم (محمدی، ۱۳۸۵، ۱۴۲ و ۱۴۳).

نویسندگان حقوق مدنی نیز با بهره‌گیری از معانی لغوی، اصطلاحی و عرفی ضرر گفته‌اند: هر جا نقصی در اموال ایجاد شود و یا منفعت مسلمی از دست برود و یا به سلامت و حیثیت و عواطف شخصی لطمه‌ای وارد گردد می‌گویند ضرری به بار آمده است. کاستن از دارایی شخص و پیشگیری از فزونی آن به هر عنوان که باشد اضرار به اوست (کاتوزیان، ۱۳۷۴، ۲۴۴).

۳-۳- عقد بیمه

علامه دهخدا بیمه را اینگونه تعریف می‌کند: «ضمانت مخصوصی است از جان یا مال که در تمدن جدید رواج یافته است بدین صورت که برای شخص یا مال مبلغی به شرکت بیمه می‌دهند و در صورت

اصابت خطر بر جان یا مال شرکت مبلغ معین می‌دهد (دهخدا، ۱۳۴۸، ۶۰۴). قانون بیمه مصوب ۱۳۱۶ در ماده یک بیمه را این گونه تعریف می‌کند «بیمه عقدی است که به موجب آن یک طرف تعهد می‌کند که در ازای پرداخت وجه یا وجوهی از طرف دیگر در صورت وقوع یا بروز حادثه، خسارت وارده بر او را جبران نموده و یا وجه معینی را بپردازد».

تعریف عقد در ماده‌ی ۱۸۳ قانون مدنی بدین صورت آمده است که «عقد عبارت است از اینکه یک یا چند نفر در مقابل یک یا چند نفر دیگر تعهد بر امری نمایند و مورد قبول آنها باشد».

در فقه امامیه، فقها بر سرتعریف عقد اختلاف نظر دارند برخی‌ها عقد را از مقوله‌ی لفظ می‌دانند بدین صورت که عقد را ایجاب مرتبط با قبول و یا ایجاب مقترن با قبول می‌دانند که در این صورت معاطات شامل آن نمی‌شود (علامه حلی، ۱۴۱۶، ۲، ۴۴۸؛ عاملی، ۱۳۲۶، ۴، ۱۴۷). اما برخی دیگر از فقها عقد را اعم از مقوله لفظ دانسته اند بلکه عقد را التزام در برابر التزام یا ربط قراردادی با قرارداد دیگر تعریف کرده‌اند (خمینی، ۱۴۲۱، ۱، ۶۸؛ طباطبایی، ۱۳۹۰، ۵، ۱۶۸).

با توجه به تعاریفی که از عقد در فقه و حقوق شد بیمه را نیز می‌توان یک عقد به حساب آورد؛ زیرا مطابق تعریف قانون مدنی از عقد، در بیمه نیز تعهد وجود دارد که در بیمه تعهد بین بیمه‌گر و بیمه‌گذار وجود دارد که بیمه‌گر تعهد به جبران خسارت و بیمه‌گذار تعهد به پرداخت حق بیمه می‌کند و نیز مطابق با تعریف فقها از عقد نیز می‌توان بیمه را یک نوع عقد به حساب آورد؛ زیرا در بیمه نیز التزام یک طرف به طرف دیگر وجود دارد.

عناصر عقد بیمه: مطابق قانون بیمه مصوب ۱۳۱۶ عقد بیمه دارای عناصری می‌باشد که عبارتند از:

- ۱- بیمه‌گر: کسی که جبران خسارت در بیمه را تعهد می‌کند. ۲- بیمه‌گذار: کسی که بیمه‌گر به نفع او تعهد می‌نماید و خسارت وارد شده به او را جبران می‌کند. ۳- حق بیمه: مالی که بیمه‌گذار در مقابل تعهد به جبران خسارت به بیمه‌گر می‌دهد. ۴- موضوع بیمه: موضوع هر عقد، امری است که مورد توافق و تراضی متعاقبین قرار می‌گیرد که در عقد بیمه با توجه به نوع آن موضوع متفاوت است. مطابق ماده ۴ قانون بیمه مصوب ۱۳۱۶ «موضوع بیمه ممکن است مال باشد اعم از دین یا منفعت یا هرحق مالی یا هر نوع مسؤولیت حقوقی، مشروط بر اینکه بیمه‌گذار نسبت به بقاء آن چه بیمه می‌دهد ذینفع باشد و همچنین ممکن است بیمه برای حادثه یا خطری باشد که از وقوع آن بیمه‌گذار متضرر می‌گردد».

۴ - رابطه تورم منفی با خسارت و عقد بیمه

با توجه به معانی گفته شده برای واژه ضرر و خسارت در لغت، اصطلاح و عرف و نیز از نظر علمای فقه و حقوق می توان گفت در زمانی که اقتصاد دچار تورم منفی باشد و شخصیتی حقیقی یا حقوقی اقدام به تجارت و انجام معامله کرده باشد واژه ضرر و خسارت شامل از دست رفتن مال آن شخصیت حقیقی یا حقوقی در پی اقدام به معامله در شرایط تورم منفی نیز خواهد شد. بنابر توضیحات گفته شده هرگاه اقتصاد دچار تورم منفی شود که باعث کاهش قیمت ها شده، بنگاه های اقتصادی و نیز شرکت ها و شخصیت های تجاری دچار ضرر و خسارت می شوند، مثلاً هرگاه یک تاجر صد تن برنج کیلویی ده هزار تومان خریداری کند، آنگاه اقتصاد برنج دچار تورم منفی با کاهش قیمت شود مثلاً برنج به کیلویی شش هزار تومان کاهش قیمت ناشی از تورم منفی داشته باشد چنین تاجری ضرر هنگفتی را متحمل می شود.

بنابراین از دست رفتن مال (پول) ناشی از تورم منفی طبق معانی که برای ضرر و خسارت گفته شد، خسارت محسوب می شود؛ زیرا معنای لغوی و اصطلاحی ضرر همان زیان و جبران زیان گفته شد و چنین تاجر یا شخصیت حقوقی اگر در چنین شرایط تورمی مالش از دست برود زیان دیده محسوب می شود و نیز با توجه به معنای عرفی که برای ضرر در اصطلاح فقه گفته شد که به از دست دادن مال و هریک از مواهب زندگی ضرر گفته می شد مطابق دیدگاه کسانی مانند مرحوم میرزای بجنوردی و ابوالحسن محمدی می توان گفت که در این جا نیز شخصیت حقیقی یا حقوقی که در شرایط تورم منفی قسمتی از مال خود را از دست داده است دچار ضرر و خسارت شده است. و با توجه به دیدگاه حقوقدانانی مانند دکتر کاتوزیان که معنای ضرر در مباحث حقوق مدنی را کاستن از دارایی اشخاص می داند، هرگاه شخصی در شرایطی که اقتصاد دچار تورم منفی شده و دارایی او از ۵۰۰ میلیون تومان به ۴۰۰ میلیون در اثر تورم منفی کاهش یابد در این صورت مقداری از دارایی او کاسته شده است، پس چنین شخص دچار ضرر و خسارت شده است.

یکی از اصول بنیادین بیمه های خسارت، حاکمیت اصل جبران خسارت بر این بیمه ها می باشد. اصل یاد شده دارای دو اثر مهم می باشد: نخست اینکه همانند مسؤولیت مدنی در این جا نیز اصل لزوم جبران کامل خسارت حاکم است. این اصل اقتضا می کند که بیمه گر به طور کامل خسارت زیان دیده را جبران کند و او را تا حد امکان در موقعیت قبل از روی دادن حادثه زیان بار قرار دهد، اما از طرف دیگر پوشش چنین بیمه ای نباید منجر به افزایش دارایی زیان دیده شود و نسبت به قبل از روی دادن حادثه و خسارت او را در موقعیت بهتری قرار دهد (کریمی، ۱۳۷۷، ۶۳).

اصل جبران خسارت که در حقوق مسؤولیت مدنی دامنه و نحوه جبران خسارت زیان‌دیده را تعیین می‌کند به عنوان مهمترین هدف قواعد مسؤولیت مدنی گفته شده است (حسینی‌نژاد، ۱۳۷۷، ۹۵). به گفته برخی نویسندگان از نظر فنی، مسؤولیت با دین مربوط به جبران خسارت بیان می‌شود به بیانی دیگر، باید زیانی وارد شود تا برای جبران آن مسؤولیت ایجاد شود و دینی بر برعهده مسؤول قرار گیرد (کاتوزیان، ۱۳۷۸، ۶۷ و ۲۴۲).

بیمه خسارت نیز قراردادی است که در راستای تحقق هدف مسؤولیت مدنی منعقد می‌شود زیرا هدف آن جبران خسارت وارده به اموال و دارایی بیمه‌گذار یا کسی می‌باشد که او طبق قواعد مسؤولیت مدنی در قبال او مسؤول است. لذا اصل جبران خسارت که برخی آن را «اصل غرامت» نیز نام نهاده‌اند حاکم بر این نوع از قراردادهای بیمه می‌باشد (محمودصالحی، ۱۳۸۸، ۱۳۶).

بنابراین در صورتی که اقتصاد دچار تورم منفی شود و شخصیت حقیقی یا حقوقی در اثر آن متحمل ضرر و خسارت گردد می‌توان با توجه به اصل جبران خسارت که زیر بنای تشکیل شرکت‌های بیمه‌ای و عقد بیمه می‌باشد خسارت‌های ناشی از تورم منفی را نیز مشمول عقد بیمه قرار داد؛ زیرا اصل جبران خسارت بر جبران خسارت به نحو عادلانه به صورتی که دارایی و سرمایه شخص زیان‌دیده به حالت قبل از خسارت و ضرر تأکید دارد.

۵ - مشروعیت بیمه‌ی خسارات ناشی از تورم منفی

تورم منفی که با کاهش قیمت‌ها همراه می‌باشد، برای کسانی که مشغول به کار، تجارت و معامله در بازار هستند با خسارت‌هایی همراه است. در صورتی که اقتصاد دچار تورم منفی باشد بیشتر اصناف و اجناس با آن دست و پنجه نرم می‌کنند، از کمپانی‌های خرید و فروش نفت گرفته تا تاجری که به کارهای تجاری مشغول است و صرافی‌ها و سایر مشاغل دیگر با آن درگیر هستند.

به طور مثال هرگاه تاجری که به کار خرید و فروش برنج مشغول است، هرگاه مثلاً صد تن برنج با قیمت هر کیلویی ده هزار تومان خریداری کند و آن گاه برنج به قیمت هفت هزار تومان در شرایط تورم منفی شدید کاهش قیمت داشته باشد چنین تاجری دچار خسارت و ضرر قابل توجهی می‌شود.

از طرفی جبران خسارت که یکی از اهداف اساسی و مهم تشکیل عقد بیمه و شرکت‌های بیمه‌ای می‌باشد در تورم منفی نیز وجود دارد و با توجه به آن چه که گفته شد در صورتی که اقتصاد دچار تورم منفی

باشد بیشتر اصناف و مشاغل با آن درگیر می‌باشند. در صورتی که چنین بیمه‌ای وجود داشته باشد، صاحبان سرمایه و کارخانه‌های تولیدی و سایر شاغلین اقتصادی میل و تقاضای زیادی به سوی چنین بیمه‌ای خواهند داشت که اگر در شرایط تورم منفی به آنها خسارتی وارد شد شرکت‌های بیمه‌ای خسارات آنها را جبران کند.

از طرف دیگر چون تورم منفی در سیستم اقتصادی بیشتر کشورها کم اتفاق می‌افتد، بیمه کردن چنین پدیده‌ای می‌تواند برای شرکت‌های بیمه‌ای سود و منفعت قابل توجهی داشته باشد. با توجه به این که در شرکت‌های بیمه‌ای؛ بیمه کردن خسارات ناشی از تورم منفی پیش‌بینی نشده و عملاً انجام نمی‌شود، اما به نظر می‌رسد می‌توان با توجه به ادله و شرایط اقتصادی و عرف جامعه چنین بیمه‌ای پیش‌بینی شده و این گونه خسارات هم مشمول عقد بیمه واقع شود و از طرفی چون موضوع بیمه خسارت ناشی از تورم منفی از موضوعات مستحدثه در فقه و حقوق اسلامی می‌باشد برای مشروع بودن یا نبودن آن، ناگزیر از استفتاء فقها و مراجع تقلید معاصر می‌باشیم که در ذیل به بیان ادله مشروعیت و اقوال فقها می‌پردازیم.

۵ - ۱ - عموماً و اطلاقات ادله

زمانی که دین مبین اسلام ظهور پیدا کرد پس از بیان احکام و قوانین مربوط به تعهدات و عقود و قراردادهای، جز در موارد محدود و اندکی که در دوران جاهلیت به نحو غیر مشروع واقع می‌شد، با سایر تعهدات و عقود مخالفت نکرد بلکه در آیات قرآن کریم و روایات ائمه اطهار، امومر و دستوراتی بر لزوم و وفای به تعهدات و عقود وجود دارد که در ذیل به آنها می‌پردازیم.

الف: آیه شریفه «یا ایها الذین آمنوا اوفوا بالعقود» (مائده، ۱۵) ای کسانی که ایمان آوردید به عقدهای (عهدها) خود وفا کنید. (اوفوا) امر حاضر از ایفاء به معنای تمام و کمال عمل کردن است و وفای به عهد و (اوفوا) به یک معنا می‌باشند. عقد نیز در این جا عبارت است از عهد موثق و مشدد بین دو طرف که بر اساس آن طرفین متعهد و ملتزمند که به آن عمل کنند (فاضل مقداد، ۱۴۲۵، ۲، ۷۲ و ۷۳).

در بیان دلالت این آیه اکثر فقهای امامیه براین باورند که العقود جمع محلی به الف و لام بوده و این الف و لام استغراقی است و افاده عموم می‌کند و فقط شامل عقدهای منحصر در دوره پیامبر نیست بلکه شامل تمام عقدها در تمام زمانها و مکانها می‌باشد، مگر عقدهایی که با دلیل خاص خارج شود.

برخی از علما عقیده دارند که برای صحت و مشروعیت تعهدات و عقود مستحدثه، عموم «اوفوا بالعقود» کافی می‌باشد (نائینی، ۱۴۰۱، ۶۸ و ۶۹). همچنین امام خمینی درباره این آیه می‌فرماید: این آیه کلیه قراردادهای مرسوم بین مردم که عرفاً عنوان عقد بر آنها اطلاق می‌شود را شامل می‌گردد (خمینی، ۱۳۹۲، ۶۰۹). همچنین میرزای قمی عقیده دارند که حمل آیه‌ی مذکور برای تمامی قراردادهای اولیه، اعم از اینکه از عقود به وجود آمده بین مردم باشد یا از عقود متداول در فقه کفایت می‌کند (میرزای قمی، بی‌تا، ۵۲۸ و ۵۲۹).

بنابراین باتوجه به آیه‌ی اوفوا بالعقود بیمه کردن خسارات ناشی از تورم منفی که یک موضوع جدید می‌باشد، تحت عنوان عقد بیمه قرار می‌گیرد؛ زیرا بیمه کردن خسارات ناشی از تورم منفی را می‌توان به عنوان یک عقد و قرارداد مستحدثه که مخالفتی هم با شرع ندارد به حساب آورد چون با توجه به آنچه که گفته شد این آیه شریفه تمام عقدها و تعهدات در تمام زمان‌ها را شامل می‌شود مگر آن عقود که با دلیل خاص خارج شود مانند بیع ربوی که با دلیل خاص خارج شده است.

بنابراین مقتضای عقد بیمه، ناشی از جبران خسارت است که این امر در بیمه کردن خسارت ناشی از تورم منفی نیز صادق است.

۲- آیه شریفه « وَ أَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُولًا » (اسراء، ۳۴) ترجمه آیه: « و به پیمان (خود) وفا کنید که قطعاً از پیمان سؤال می‌شود» وفای به پیمان همان عمل نمودن به پیمان و پایبند بودن به مفاد آن است و در مقابل آن (نقض پیمان) به معنای ترک عمل به مفاد پیمان است. آیه شریفه، پایبندی به عهد و پیمان را یک وظیفه شرعی دانسته و در این زمینه تفاوتی بین اینکه مورد عهد چه باشد و شخصی که با او پیمان بسته می‌شود چه کسی باشد نمی‌گذارد. بنابر این هر عهد و پیمانی که برخلاف احکام الهی بسته نشده باشد عمل به آن واجب بوده و پیمان شکنی و نقض عهد گناه محسوب می‌شود (خمینی، ۱۳۹۲، ۶۱۰، ۲).

در عقد بیمه خسارات ناشی از تورم منفی نیز، هرکدام از طرفین تعهد به انجام عملی می‌کنند و طبق این آیه شریفه که وفای به تعهد و لزوم آن منحصر به زمان خاص و نوع خاصی از تعهد نمی‌باشد بیمه کردن خسارات ناشی از تورم منفی نیز مادامی که مخالف با احکام الهی نباشد می‌تواند از جمله عقود با موضوع خاص خود باشد، بنابراین آیه شریفه بر این نوع تعهد (بیمه خسارات ناشی از تورم منفی) نیز دلالت می‌کند و شامل آن می‌شود.

۳- آیه ۲۹ سوره نساء که می‌گوید « لا تاكولوا اموالکم بینکم بالباطل الا ان تکون تجاره عن تراض » (نساء، آیه ۲۹) این آیه مجوز تملک اموال دیگران از طریق تجارت و توافق و تراضی طرفین قراردادهاست. به عبارت دیگر نهی از تملک از طریق باطل، دلالت بر صحت تملک از طریق تجارت با تراضی دارد (مقدس اردبیلی، بی‌تا، ۴۲۷).

با توجه به اینکه بیمه نیز نوعی معامله است و هرگاه موضوع آن را بیمه خسارات ناشی از تورم منفی بدانیم که دلیل و نصی برخلاف آن نیست تا از مصادیق اکل مال به باطل باشد، بنابراین بیمه‌کردن خسارات ناشی از تورم منفی قراردادی است که شرایط عمومی صحت قراردادها را دارد و عمومات و اطلاعات آیه شریفه «تجاره عن تراض» شامل آن نیز می‌گردد.

۴- روایت «المسلمون عند شروطهم» یعنی مسلمان باید به شرطش عمل کند (حر عاملی، ۱۴۱۴، ۱۵۰۳۰). این روایت از لحاظ سند صحیح است و به صورت متواتر ذکر شده است (مظاهری، ۱۳۸۶، ۲۰۱). شرط در لغت به معنای عهد نیز آمده است و شرط در اینجا عام است و شرط منطقی و اصطلاحی نمی‌باشد، یعنی مؤمن باید به کلیه معاهداتش عمل کند که این معاهدات گاهی ایفاء است، گاهی ضمان است و گاهی نیز شرط می‌باشد. در این روایت عمل به تمام معاهدات تکلیفاً و وضعاً بر عهده مؤمنان می‌باشد که باید به شرطشان عمل کنند (همان).

بنابراین روایت «المسلمون عند شروطهم» می‌تواند بیمه‌کردن خسارات ناشی از تورم منفی را نیز در بر گیرد؛ زیرا این نوع بیمه هم یک معاهده و تعهد بلکه یک عقد است که در آن طرفین ملزم به انجام تعهداتی باشند و چون این حدیث عام است می‌توان از عمومیت آن استفاده کرد و این شرط و عهد ناشی از بیمه‌ی خسارات تورم منفی را نیز تحت شمول آن قرار داد.

نظر برخی از فقهای معاصر در مورد بیمه خسارت ناشی از تورم منفی نیز این می‌باشد که این نوع عقد بیمه تحت شمول عمومات «اوفوا بالعقود» و «المسلمون عند لشروطهم» می‌باشد؛ مثلاً در این رابطه آیت‌الله بیات زنجانی می‌گوید «بیمه خسارت ناشی از تورم منفی از مصادیق ضمان ما لم یجب است که بیمه یکی از مصادیق آن می‌باشد و دستگاه بیمه‌کننده تعهد می‌کند، در صورتی که قیمت سوقی تقلیل یابد

و به صورت منفی درآید که از آن به عنوان تورم منفی یاد می‌شود، آن را جبران کرده و تأمین کند امری عقلایی و صحیح بوده که مشمول اوفوا بالعقود و المومنون عند شروطهم می‌شود» (زنجانی، ۱۳۹۶).^۱

در رابطه با اطلاعات و عمومات ادله باید گفت؛ عمومات و اطلاعات با توجه به این که قضایا به دو دسته تقسیم می‌شوند: قضیه خارجی و قضیه حقیقیه؛ در تعریف قضیه خارجی گفته شده است: قضایایی که حکم نسبت به افراد موجود در خارج ثابت باشد، قضایای خارجی گفته می‌شود و قضایای حقیقیه به قضایایی گفته می‌شود که اختصاص به آنچه که فعلا موجود است ندارد بلکه گاه اصلا در زمان حاضر مصداق خارجی ندارد اما حکم صحیح و درست است مثل قضیه حقیقیه «آتش گرم است» که شامل تمام آتش‌ها در زمان گذشته، حال و آینده می‌شود (ایزدی‌فرد، ۱۳۹۵، ۹۰ و ۹۱). عمومات و اطلاعات ادله ذکرشده نیز از نوع قضایای حقیقیه می‌باشند؛ یعنی صدور حکم تکلیفی و وضعی نسبت به آنها منحصر به زمان صدور حکم نمی‌شود.

بنابراین اگرچه در زمان ائمه اطهار (ع) موضوعی به نام بیمه‌ی خسارت ناشی از تورم منفی مطرح نبوده؛ اما می‌توان با توجه به عمومات و اطلاعات ادله که از قضایای حقیقیه می‌باشند و منحصر به زمان خاصی نیستند برای مشروعیت این مسائل مستحدثه استفاده کرد (مکارم شیرازی، ۱۴۲۲، ۲۵۵ و ۲۵۶).

۵ - ۲ - بنای عقلاء

اصولیین بنای عقلاء را اینگونه تعریف کرده اند: روش و سلوک عملی خردمندان برانجام دادن یا ترک کاری بدون دخالت و تأثیر عوامل زمانی، مکانی، نژادی، دینی و گروهی است (مظفر، ۱۴۰۳، ۱۵۳). اصول دانان و فقها برای حجیت داشتن بنای عقلاء قائل به سه مبنا هستند: مبنای اول: احراز عدم ردع از ناحیه شارع: مشهور اصولیین معتقدند که بنای عقلاء در صورتی معتبر است که به صورت قطعی مورد تأیید و رضایت شارع باشد. لذا بنای عقلاء از دیدگاه این گروه از اصولیین در حقیقت به عنوان یک دلیل شرعی محسوب می‌شود نه یک دلیل عقلی (شهید صدر، ۱۴۰۸، ۲، ۱۰۱). مبنای دوم: عدم احراز ردع: مطابق با این دیدگاه از اصولیین عدم احراز ردع و اثبات عدم مخالفت شارع کفایت می‌کند، یعنی صرف اینکه ثابت شود از ناحیه شارع منع و ردعی صورت نگرفته باشد موافقت شارع احراز می‌شود (اصفهانی، ۱۳۷۴، ۳، ۶ و ۱۲).

۱: دفتر اطلاع رسانی آیت الله، اسد الله بیات زنجانی ۲۵ آبان ۱۳۹۶

مبنای سوم: گروهی از اصولیین برای حجیت بنای عقلاء، حجیت سیره مورد نظر را به واسطه ارجاع به حکم عقل اثبات نموده‌اند، لذا مطابق این دیدگاه علت حجیت بنای عقلاء کاشفیت آن از حکم عقل است (آشتیانی، ۱۴۰۳، ۱، ۱۷۱).

باتوجه به اینکه موضوع بیمه خسارت ناشی از تورم منفی از مسائل مستحدثه است و اینکه خود بیمه بر اساس اصل جبران خسارات به وجود آمده یک نوع عقد محسوب می‌شود، بنای عقلاء و سیره و سلوک آنها از عقد بیمه خسارات ناشی از تورم منفی که برای جبران خسارات‌های احتمالی و کم‌کردن ریسک موجود در رابطه با مشاغل و زندگی اقتصادی صاحبان کارخانجات و شرکت‌های تجاری استقبال می‌کند؛ زیرا بنای عقلاء، جبران خسارت و ضرر در مقابل پرداخت وجه بیمه و نیز احتیاط و کم‌کردن ریسک را می‌پذیرد.

بنابراین از هر سه مبنای اصولیین که برای حجیت بنای عقلاء مطرح شده می‌توان برای مشروعیت بیمه خسارت ناشی از تورم منفی استفاده کرد و به این نوع از عقد بیمه مشروعیت بخشید؛ زیرا مطابق مبنای دیدگاه اول که باید عدم ردع از ناحیه شارع را اثبات کرد، حال آن که در مسأله بیمه‌ی خسارت ناشی از تورم منفی که یک مسأله نو ظهور است و در زمان ائمه (ع) وجود نداشته است، ما از ائمه ردع و منعی نمی‌بینیم و اگر ردع و منعی از ائمه وجود داشت باید به دست ما می‌رسید؛ زیرا ردع و منع ائمه محدود به زمان و مکان نمی‌باشد، از طرفی برای اثبات عدم ردع از ناحیه ائمه می‌توان به مبحث ضمان جریره که خود یک نوع بیمه به معنای محدود بوده است که بر طبق آن یک طرف تعهد به پرداخت خسارات ناشی از جرایم خطایی طرف دیگر می‌نمود و در مقابل از آن شخص ارث می‌برد، اشاره کرد که در زمان ائمه وجود داشته و منعی از آن نبوده است (شهید ثانی، ۱۳۸۸، ۵، ۱۰۵).

همچنین مطابق مبنای دوم از آن جهت که از طرف شارع منعی مبنی بر بیمه خسارت ناشی از تورم منفی صورت نگرفته است برای مشروعیت این نوع عقد بیمه کفایت می‌کند و نیز مطابق مبنای سوم که حجیت بنای عقلاء را به دلیل عقل ارجاع می‌دهد می‌توان مشروعیت بیمه خسارت ناشی از تورم منفی را استنباط کرد؛ زیرا دلیل عقل بر احتیاط‌کردن و کم‌کردن ریسک در معاملات و جبران خسارت در مقابل ما به ازاء که یک کار عقلانی و منطقی می‌باشد حکم می‌کند.

۵ - ۳ - تنقیح مناط

تنقیح مناط از روش‌هایی است که مجتهد به وسیله آن قصد شارع را از کلام وی استخراج می‌کند و

حکم واقعه ای که در مورد آن نص وجود دارد را به واقعه ای که در مورد آن نص وجود ندارد سرایت می دهد (شعرانی، ۱۳۷۳، ۱۸۵؛ شوکانی، بی تا، ۲۲۱).

از تنقیح مناط برای مشروعیت بخشیدن به عقد بیمه خسارت ناشی از تورم منفی که از مسائل مستحدثه می باشد و در مورد آن نصی وجود ندارد می توان استفاده کرد؛ زیرا وقتی خداوند متعال در آیاتی مانند «اوفو بالعقود» و «اوفوا بالعهد» به وفای به عهد و پیمان سفارش می کند مناط و هدف از این همه سفارش و تاکید خداوند و مذمت از عهد شکنی در عقد و عهدهایی که نص در مورد آنها وجود دارد مانند عقد بیع و اجاره و غیره برای ایجاد امنیت، اعتماد و امرار معاش می باشد.

بنابراین این مناط و هدف منحصر در همان عقدها و عهدهای گذشته نمی باشد بلکه اگر عقدهای مستحدثه مانند بیمه خسارت ناشی از تورم منفی نیز با رعایت چنین مناط و هدفی که خداوند خواسته است ایجاد شود مشروع و صحیح می باشند؛ زیرا بیمه خسارت ناشی از تورم منفی نیز یک عقد است و مناط و هدف از تشکیل سایر عقود از طرف شارع شامل آن می شود.

۵ - ۴ - اقوال فقهای معاصر

با توجه به استفتائات گرفته شده از برخی فقها و مراجع عصر حاضر در رابطه با بیمه خسارت مطالبات معوق بانکی ناشی از تورم منفی و مثبت، نتایج به دست آمده از این استفتائات بدین صورت است که فقها به طور کلی منعی برای این نوع از عقد بیمه نمی بینند اما شیوه بیان آنها به طور کلی به دو دسته تقسیم می شود؛ گروهی از آنها به صورت عام و کلی این نوع عقد بیمه را پذیرفته اند مانند آیت الله یوسف صانعی^۱ و آیت الله شبیری زنجانی^۲ که به طور کلی می فرمایند این نوع عقد بیمه مانعی ندارد، استدلال این دو فقیه بر این مبنا است که این نوع بیمه بر خلاف عموماً و اطلاقاتی مانند اوفو بالعقود نیست؛ اما گروهی دیگر از فقها برای مشروعیت این نوع عقد بیمه قیود و استدلال‌هایی را بیان کرده اند که در این رابطه آیت الله جوادی آملی می فرماید: «عقد بیمه در موضوعات مختلف اگر بر خلاف شرع نباشد اشکالی ندارد» (جوادی، ۱۳۹۶).^۳

۱. دفتر اطلاع رسانی آیت الله یوسف صانعی استفتاء شماره ۱۸۳۶۹۹ مورخ ۲۶ آبان ۱۳۹۶

۲. دفتر اطلاع رسانی آیت الله سید موسی شبیری زنجانی استفتاء شماره ۴۷۳۸۸ مورخ ۲۳ آبان ۱۳۹۶

۳. دفتر اطلاع رسانی آیت الله عبد الله جوادی آملی مورخ ۱۴ آبان ۱۳۹۶

همچنین آیت‌الله علوی گرگانی می‌فرماید: «اگر بیمه در هر موضوعی در قالب عقود شرعی واقع شود و شرایط این عقود بر آنها حاکم باشد جایز خواهد بود» (علوی، ۱۳۹۶).^۱

و نیز آیت‌الله نوری همدانی می‌فرماید «موارد عقد بیمه مختلف است، اما اگر بیمه‌کننده متعهد گردد خسارت ناشی از کاهش ارزش سرمایه را در مقابل مبلغ معینی بپردازد مانعی ندارد» (نوری همدانی، ۱۳۹۶).^۲

از نظرات و استدلال‌ات این گروه از فقها نیز مشروعیت عقد بیمه خسارت ناشی از تورم منفی به دست می‌آید؛ زیرا با توجه به آنچه که در گذشته گفته شد این نوع عقد بیمه نیز تحت شمول اوفوا بالعقود قرار می‌گیرد و برخلاف شرع نمی‌باشد؛ زیرا این گونه عقد بیمه مخالفتی با کتاب و سنت و نیز بنای عقلاء ندارد، پس هم در قالب عقود شرعی است و هم شرایط عقود شرعی بر آن حاکم است.

۵ - ۵ - مبانی قانونی

۵ - ۵ - ۱ - شرایط اساسی صحت معامله (قرارداد)

مطابق ماده ۱۹۰ قانون مدنی برای صحت هر معامله این شرایط اساسی می‌باشد: الف - قصد و رضای طرفین، ب - اهلیت طرفین، ج - موضوع معین که مورد معامله باشد، د - مشروعیت جهت معامله.

مطابق ماده ۱۹۰ قانون مدنی هرگاه معامله یا قراردادی واجد این شرایط باشد، آن عقد یا قرارداد صحیح بوده و لازم‌الاتباع برای طرفین می‌باشد (کاتوزیان، ۱۳۷۲، ۱، ۴۲؛ شهیدی، ۱۳۸۵، ۱۲۴). شرایط گفته شده در ماده ۱۹۰ قانون مدنی، در بیمه کردن خسارات ناشی از تورم منفی نیز می‌تواند به طور صحیح وجود داشته باشد. حال به بیان این شرایط در قرارداد بیمه خسارات ناشی از تورم منفی می‌پردازیم.

شرط اول: قصد و رضای طرفین: قصد و رضا با هم اراده انجام معامله را می‌سازند، یعنی هرگاه شخصی قصد و رضا به انجام یک معامله را داشته باشد آن شخص اراده انجام آن معامله را کرده است. در قرارداد بیمه خسارات ناشی از تورم منفی نیز هرگاه بیمه‌گر و بیمه‌گذار، اراده انجام این قرارداد را داشته باشند و مواعی مانند اکراه، اشتباه، اجبار، مستی و بیهوشی که هر کدام ممکن است موجب از بین رفتن

۱: دفتر اطلاع رسانی آیت‌الله سید محمد علی علوی گرگانی مورخ ۱۶ آبان ۱۳۹۶

۲: دفتر اطلاع رسانی آیت‌الله حسین نوری همدانی مورخ ۲۰ آبان ۱۳۹۶

قصد یا رضا در شخص شود وجود نداشته باشد، این شرایط در این نوع قرارداد نیز به طور صحیح واقع شده‌اند (شهیدی، همان).

فقدان قصد یا رضای طرفین در انعقاد قرارداد، هر کدام ضمانت اجرای خاص خود را دارند، مثلاً نبودن قصد معامله را باطل می‌کند که ماده ۱۹۵ قانون مدنی در این باره مقرر می‌دارد که «اگر کسی در حال مستی یا بیهوشی یا در خواب معامله نماید، آن معامله به واسطه ی فقدان قصد باطل است» و در مورد فقدان رضایت مطابق ماده ۱۹۹ قانون مدنی عقد غیرنافذ است.

شرط دوم: اهلیت طرفین: اهلیت در لغت به معنی صلاحیت و شایستگی می‌باشد، در اصطلاح فقه و حقوق اهلیت، به اهلیت تمتع و اهلیت استیفاء تقسیم می‌شود، اهلیت تمتع همان اهلیت دارا شدن حق است که با تولد آغاز شده و با مرگ پایان می‌یابد، اما اهلیت استیفاء همان اهلیت اجرای حق است و در قانون مدنی هرگاه از اهلیت سخن گفته می‌شود منظور اهلیت استیفاء می‌باشد (صفایی و قاسم‌زاده، ۱۳۹۳، ۱۷۸ و ۱۷۹).

در قانون مدنی شرایط داشتن اهلیت استیفاء مطابق ماده ۲۱۱ عقل و بلوغ ورشد گفته شده است که در کلام فقها نیز این موارد برای اهلیت ذکر شده است (شهید ثانی، ۱۳۸۸، ۱، ۳۶).

بنابراین در قرارداد بیمه خسارات ناشی از تورم منفی، اگر بیمه‌گر و بیمه‌گذار یا قائم مقام آنها دارای اهلیت استیفاء بوده، یعنی عاقل، بالغ و رشید باشند، توانایی انعقاد قرارداد و معامله را دارند و اگر اقدام به انعقاد چنین قراردادی کنند، قرارداد آنها صحیح می‌باشد (خوئی، ۱۴۰۵، ۴۲۱).

شرط سوم: معین بودن مورد معامله: در قانون مدنی مطابق ماده ۲۱۴ مورد معامله اینگونه تشریح شده است «مورد معامله باید مال یا عملی باشد که هریک از متعاملین تعهد تسلیم یا ایفای آن را می‌کنند» باتوجه به این ماده، در بیمه خسارات ناشی از تورم منفی نیز مورد معامله معین است، در این جا مورد قرارداد همان خسارت است که بر اموال شخص به خاطر شرایط تورمی منفی در اقتصاد وارد شده است می‌باشد و در این نوع بیمه هریک از طرفین نسبت به مورد معامله تعهداتی دارند که آن تعهدات را ایفا می‌کنند، در اینجا بیمه‌گذار تعهد به پرداخت حق بیمه و بیمه‌گر متعهد به پرداخت خسارات وارده به بیمه‌گذار که بر اثر تورم منفی به وجود آمده است، می‌باشد.

شرط چهارم: مشروعیت جهت معامله: جهت معامله اولین هدف غیر مستقیمی است که معامله کنند با تشکیل عقد به دنبال آن است (کاتوزیان، همان). جهت نامشروع یعنی شخص معامله‌ای انجام دهد

که انگیزه او در چنین معامله‌ای نامشروع است، مثلاً کسی که از خریدن انگور به انگیزه درست کردن شراب از آن اقدام به معامله کند.

قانون مدنی در ماده ۲۱۷ در مورد مشروعیت جهت معامله می‌گوید: «در معامله لازم نیست که جهت آن تصریح شود ولی اگر تصریح شده باشد باید مشروع باشد و الا معامله باطل است» طبق این ماده از قانون مدنی می‌توان گفت که جهت معامله، در قرارداد بیمه خسارات ناشی از تورم منفی در صورتی که بیمه‌گذار برای جلوگیری از ضرر و دفع کردن خطر آن اقدام به بیمه کردن اموال خود با این موضوع کند و از طرف دیگر شرکت‌های بیمه‌ای (بیمه‌گر) با انجام چنین بیمه‌ای باتوجه به میل و تقاضای بیمه‌گذاران می‌تواند سود قابل توجهی نصیبشان شود، مشروع و قانونی می‌باشد.

نکته‌ای که در این جا حائز اهمیت است این است که جهت مشروع در تمام معاملات و قراردادهای جنبه شخصی دارد، یعنی همانگونه که در بیع و اجاره شخص ممکن است انگیزه نامشروع داشته باشد در قراردادهای دیگر نیز این امکان وجود دارد (کاتوزیان، همان).

حال اینکه در بیمه‌هایی که در قانون بیمه ذکر شده و شرکت‌های بیمه‌ای اقدام به انجام آن می‌کنند مانند بیمه بدنه ماشین، بیمه دیه و بیمه‌های آتش سوزی و مانند آنها، امکان انگیزه‌های نامشروع در این موارد به مراتب می‌تواند بیشتر از بیمه خسارات ناشی از تورم منفی باشد؛ زیرا در بیمه‌های ذکر شده برخی بیمه‌گذاران با انگیزه‌های نامشروع اقدام به صحنه سازی و گاهاً تبانی بین افراد برای کلاهبرداری و گرفتن خسارت از شرکت‌های بیمه‌ای اقدام به انعقاد قرارداد بیمه می‌کنند (حقیقی‌وند، ۱۳۸۷، ۳۴ و ۳۵).

اما این انگیزه نامشروع در بیمه خسارت ناشی از تورم منفی به مراتب کمتر می‌تواند اتفاق بیفتد؛ زیرا تورم یک موضوع در کل اقتصاد کشور است و قابل نوسان توسط اشخاص معمولی نمی‌باشد بلکه این اتفاق به بازار کشوری و در برخی موارد به بازار جهانی بستگی دارد. پس می‌توان گفت که ضریب خطر تبانی و صحنه‌سازی برای گرفتن خسارت در این نوع بیمه کمتر می‌باشد.

بنابراین با توجه به آن چه که گفته شد می‌توان گفت در صورتی که قرارداد بیمه خسارات ناشی از تورم منفی واجد تمامی شرایط مقرر در ماده ۱۹۰ قانون مدنی باشد یک عقد صحیح و نافذ بوده و برای طرفین آن یا قائم مقام آنها لازم‌الاتباع می‌باشد.

۵ - ۵ - ۲ - قانون بیمه

مطابق ماده ۱ قانون بیمه مصوب ۱۳۱۶ «بیمه عقدی است که به موجب آن یک طرف تعهد می‌کند در ازاء پرداخت وجه یا وجوهی از طرف دیگر در صورت وقوع یا بروز حادثه خسارت وارده بر او را جبران نموده یا وجه معینی را به او بپردازد.

حادثه از نظر معنای لغوی و اصطلاحی به معنای آن چه پدید آمد، رویداد و اتفاق می‌باشد (معین، ۱۳۹۴، ۱، ۶۳۰). باتوجه به این ماده و معنای حادثه، می‌توان وقوع خسارات ناشی از تورم منفی را نیز نوعی حادثه و اتفاق تلقی کرد که این نوع خسارت نیز مشمول عقد بیمه قرار گیرد.

همچنین در ماده ۴ این قانون موضوع بیمه را این گونه بیان می‌کند: «موضوع بیمه ممکن است مال باشد اعم از عین یا منفعت یا هرق حق مالی یا هر نوع مسؤولیت حقوقی مشروط بر اینکه بیمه‌گذار نسبت به بقاء آنچه بیمه می‌دهد ذینفع باشد و همچنین ممکن است بیمه برای حادثه یا خطری باشد که از وقوع آن بیمه‌گذار متضرر می‌گردد».

باتوجه به این ماده موضوع عقد بیمه منحصر در موارد خاص و معینی نشده است یعنی مصادیق خطر و حادثه ذکر نشده است و نیز موضوع بیمه خسارات ناشی از تورم منفی در این ماده و سایر مواد این قانون نفی نشده است، بنابراین می‌توان با توجه به این ماده خسارات ناشی از تورم منفی را به عنوان یک حادثه یا خطری که وقوع آن موجب خسارت و ضرر رسیدن به بیمه‌گذار می‌شود، تلقی کرد و این نوع خسارت را مشمول عقد بیمه دانست.

همچنین ماده ۲۸ این قانون مقرر می‌دارد که «بیمه‌گر مسؤول خسارات ناشی از جنگ و آشوب نخواهد بود مگر آنکه خلاف آن در بیمه‌نامه شرط شود» با توجه به این ماده، قانون‌گذار این اجازه را به بیمه‌گر داده است، موضوعاتی را که در قانون پیش‌بینی نشده است و حتی در قانون از بیمه‌کردن آنها نفی شده است مانند خسارات ناشی از جنگ و آشوب، مطابق با رضایت طرفین می‌تواند مشمول عقد بیمه قرار گیرد، حال اینکه خسارات ناشی از تورم منفی نه تنها نفی نشده است بلکه با توجه به قرائن؛ مشمول تعریف عقد بیمه می‌باشد.

همچنین ماده ۳۵ این قانون بیان می‌کند که «طرفین می‌توانند در عقد بیمه هر شرط دیگری بنمایند ...» باتوجه به این ماده اگر بیمه‌گذار بخواهد کالای تجاری خود مانند برنج را بیمه کند، می‌تواند با رضایت

بیمه‌گر خسارات ناشی از تورم منفی را به یک شرط در ضمن عقد بیمه بیاورند که اگر خسارتی با این عنوان برای بیمه‌گذار به وجود آمد بیمه‌گر آن خسارت را جبران کند.

۶- نتیجه‌گیری

در شرایطی که اقتصاد دچار تورم منفی شود، با کاهش تقاضا و در نتیجه‌ی با کاهش سطح قیمت‌ها همراه است، در این صورت صاحبان کالا و کارخانه‌ها که قیمت کالای آنها پایین آمده و فروکش کرده است؛ باضرر مواجه می‌شوند. برطبق تعاریف فقها و حقوقدانان از کلمه خسارت و دامنه‌ی گسترش و شمول آن، این نوع ضرر یعنی ضرر ناشی از تورم منفی نیز شامل خسارت می‌شود و بر اساس آن که عقد بیمه و شرکتهای بیمه‌ای به هدف جبران خسارت به وجود آمده‌اند می‌توان این نوع ضرر را نیز جزء همین خسارات به حساب آورد.

با توجه به این که بیمه یک نوع عقد است و دارای آثار و مبانی شرعی و فقهی عقد می‌باشد می‌توان گفت که بر اساس عمومات و اطلاقات ادله که مطابق دیدگاه فقها و اصولیین و مفسرین این عمومات، از قضایای حقیقیه می‌باشند و منحصر به زمان و عقد خاصی نمی‌شود و همه‌ی عقدها را در بر می‌گیرند. بنابراین مطابق این عمومات و اطلاقات بیمه کردن خسارات ناشی از تورم منفی که یک عقد و تعهد هست نیز می‌تواند مشمول عقد بیمه قرار گیرد. همچنین با توجه به سه دیدگاه اصولیین از حجیت بنای عقلاء، می‌توان برای مشروعیت بیمه خسارت ناشی از تورم منفی که منع و ردعی از سوی شارع هم ندارد به بنای عقلاء تمسک کرد.

در صورتی که از تعهدات و عقود منطوق و هدف مورد نظر شارع که همان امنیت و اعتماد و امرار معاش برای انسانهاست در عقد بیمه خسارت ناشی از تورم منفی نیز حاصل شود می‌توان به تنقیح منطوق برای مشروعیت این نوع از عقد بیمه تمسک کرد.

همچنین با توجه و دقت نسبت به مواد قانونی مانند ماده ۱۹۰ قانون مدنی که بر شرایط اساسی صحت قرارداد تاکید دارد، هرگاه قراردادی دارای قصد و رضای طرفین، اهلیت، معین بودن مورد معامله و مشروعیت جهت معامله باشد قراردادی صحیح و لازم‌الاجراء برای طرفین قرارداد می‌باشد، بنابراین هرگاه این شرایط در قرارداد بیمه کردن خسارات ناشی از تورم منفی وجود داشته باشد یک عقد صحیح بوده و برای طرفین آن لازم‌الاجراء و صحیح می‌باشد.

با توجه به مواد قانونی قانون بیمه مصوب ۱۳۱۶ که همچنان لازم الاجراء می‌باشد، مطابق مواد ۱ و ۴ و ۳۵ این قانون می‌توان مشروعیت عقد بیمه خسارت ناشی از تورم منفی را به اثبات رساند. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که با توجه به حساس بودن و مهم بودن مسائل اقتصادی و شرکت‌های تولیدی عقد بیمه‌ای با موضوع خسارت‌های ناشی از تورم منفی در شرکت‌های بیمه شکل گردد و با مبانی ذکر شده خلاء این نوع عقد بیمه را در شرکت‌های بیمه‌ای پر کرد که بر اساس آن شرکت‌های تولیدی و صاحبان کالا و سرمایه بتوانند با خیالی راحت‌تر به کار تولید و اشتغال‌زایی بپردازند که نتیجه آن هم برای اقتصاد کشور مهم و سودمند است.

فهرست منابع

- قرآن کریم.
 - قانون مدنی.
 - قانون بیمه.
۱. آشتیانی، محمدحسن، (۱۴۰۳)، بحرالفوائد فی شرح الفرائد، کتابخانه آیت‌الله مرعشی، قم.
 ۲. ابوالقاسم بن الحسن جیلانی (میرزای قمی)، (بی‌تا)، جامع الشتات استفتائات، انتشارات رضوان، قم، چاپ اول.
 ۳. اصفهانی، محمد حسین، (۱۳۷۴)، نهاییه الدرايه فی شرح الکفایه، انتشارات سید الشهدا، قم.
 ۴. ایزدی فرد، علی‌اکبر و حسین‌نژاد، مجتبی، (۱۳۹۵)، فقه الکترونیک، انتشارات الگوی پیشرفت، تهران، چاپ اول.
 ۵. احمد بن محمد (مقدس اردبیلی)، (بی‌تا)، زبده البیان، المکتبه الجعفریه لاحیاء الاثار الجعفریه، تهران، چاپ اول.
 ۶. مقداد بن عبدالله سیوری، (فاضل مقداد)، (۱۴۲۵)، کنزالعرفان فی فقه القرآن، انتشارات مرتضوی، قم، چاپ اول.
 ۷. حسینی‌نژاد، حسینقلی، (۱۳۷۷)، حقوق مسؤولیت مدنی، انتشارات مجد، تهران، چاپ اول.
 ۸. حسینی عاملی، سید محمد جواد، (۱۳۲۶)، مفتاح الکرامه، انتشارات قاهره، قاهره، چاپ سوم.
 ۹. حسن بن یوسف (علامه حلی)، (۱۴۱۶)، مختلف الشیعه فی احکام الشریعه، مکتب الاعلام، قم، چاپ اول.
 ۱۰. حقیقی وند، سارا، (۱۳۸۷)، تأثیر رکود اقتصادی بر بیمه، نشریات پژوهشکده بیمه، تهران، چاپ اول.
 ۱۱. خراسانی، محمد کاظم، (آخوند خراسانی)، (۱۴۰۹)، کفایه الاصول، مؤسسه آل بیت، قم، چاپ اول.
 ۱۲. خوئی، سید ابوالقاسم، (۱۴۰۵)، منهاج الصالحین، انتشارات دارالفکر، قم.

۱۳. دادجوی توکلی عباس و سلیمی فرشید، (۱۳۹۳)، دیدگاه‌هایی برای آشنایی با تورم، پایگاه خبری نقدینه، چاپ اول.
۱۴. شعرانی، ابوالحسن، (۱۳۷۳)، المدخل الی عذب المنهل فی اصول فقه، مؤسسه الهادی، قم، چاپ دوم.
۱۵. شهید ثانی، زین الدین بن علی، (۱۳۸۸)، الروضه البهیة فی شرح لعمه الدمشقیه، مترجم مسجدسرای حمید، اندیشه‌های حقوقی کاشان، کاشان، چاپ اول.
۱۶. شوکانی، محمد بن علی، (بی‌تا)، ارشاد الفحول الی تحقیق الحق من علم الاصول، بی‌جا، بی‌نا.
۱۷. صدر، محمد باقر، (۱۴۰۸)، مباحث الاصول، بی‌نا، قم.
۱۸. صفایی، سید حسین و قاسم زاده، سید مرتضی، (۱۳۸۶)، اشخاص و محجورین، انتشارات سمت، تهران، چاپ سیزدهم.
۱۹. طباطبایی، سید محمدحسین، (۱۳۹۰)، المیزان، دارالکتب اسلامی، تهران، چاپ ششم.
۲۰. غروی نائینی، (۱۴۰۱)، میرزا محمد حسین، فوائد الاصول، انتشارات نشر اسلامی، قم، چاپ دوم.
۲۱. کاتوزیان، ناصر، (۱۳۹۵)، قواعد عمومی قراردادها، انتشارات بهمن برنا، تهران، چاپ دوم.
۲۲. همو، ضمان قهری، (۱۳۸۸)، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ سوم.
۲۳. همو، (۱۳۸۷)، بیمه مسؤولیت مدنی، انتشارات دانشگاه تهران، تهران، چاپ دوم.
۲۴. کرمی، شهرام، (۱۳۹۱)، نکاتی در باب مدیریت و حسابداری، چاپ دوم.
۲۵. کریمی، آیت، (۱۳۷۷)، بیمه اموال و مسؤولیت، دانشکده امور اقتصادی، تهران، چاپ اول.
۲۶. محمد بن حسن بن علی (شیخ حراملی)، (۱۴۱۴)، وسائل الشیعه، انتشارات آل بیت، قم، چاپ سوم.
۲۷. محمود صالحی، جانعلی، (۱۳۸۸)، مفهوم خسارت در بیمه، مجله بیمه شماره ۲۵، تهران، چاپ اول.
۲۸. محمدی، ابوالحسن، (۱۳۸۵)، قواعد فقه، انتشارات میزان، تهران، چاپ نهم.
۲۹. مظاهری، سید حبیب‌الله، (۱۳۹۶)، تفسیره آیه ۳۴ سوره اسراء، پایگاه اطلاع رسانی، چاپ اول.
۳۰. مظاهری، حسین، (۱۳۸۶)، درس خارج شماره ۱۵۵، دفتر اطلاع‌رسانی، چاپ اول.
۳۱. مظفر، محمدرضا، (۱۴۰۳)، اصول الفقه، انتشارات بیروت، بیروت، چاپ دوم.
۳۲. معین، محمد، (۱۳۸۱)، فرهنگ معین، انتشارات راه نو، تهران، چاپ اول.
۳۳. همان، فرهنگ معین، (۱۳۹۴)، انتشارات امیر کبیر، تهران، چاپ سوم.
۳۴. مکارم شیرازی، ناصر، (۱۴۲۲)، مسائل المستحدثه، درس خارج فقه، قم، چاپ اول.
۳۵. موسوی بجنوردی، سید میرزا حسن، (۱۴۱۹)، قواعد فقه، انتشارات الهادی، قم، چاپ اول.
۳۶. موسوی خمینی، سید روح الله، (۱۳۹۲)، تحریر الوسیله، انتشارات مؤسسه نشر آثار امام، تهران، چاپ دوم.

۳۷. همان، (۱۴۲۱)، البیغ، مؤسسه نشر آثار امام، تهران، چاپ دوم.